

## آیا خطر حمله نظامی و جنگ جدی است؟

“جهان در ارتباط با برنامه هسته‌ای تهران باید خود را برای بدترین چیزها که همانا جنگ است، آماده کند.” او دلیل آن را تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای دانست و افزود که: “ایران درصدد دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای است. من به مردم فرانسه می‌گویم چنین چیزی غیر قابل قبول است.”

وزیر خارجه فرانسه اگرچه اظهارات خود را بعداً تعدیل نمود، اما همین اظهارات در این حد نیز نشان دهنده جدی بودن بحث حمله نظامی به ایران در پشت صحنه دیپلماسی غرب است. در ادامه همین اظهارات نیز بود که سخنگوی ریاست جمهوری فرانسه نیز تأکید کرد که: “هیچ کس باور ندارد که (برنامه) غنی‌سازی اورانیوم که توسط ایران انجام می‌شود، صلح‌آمیز است. برای ما، یک ایران مسلح به جنگ افزار اتمی قابل قبول نیست.”

وزیر خارجه فرانسه اخیراً نیز به دنبال تعویق تصمیم شورای امنیت در مورد تشدید تحریم ایران در جلسه ۵+۱، طی نامه‌ای به وزرای خارجه اتحادیه اروپا خواستار تشدید تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی از طرف اتحادیه اروپا بدون تصمیم شورای امنیت هم شده است.

وقتی که محمد البرادعی، توافق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را آخرین فرصت برای ایران اعلام کرد، توافقی که چندان هم از طرف دولت آمریکا و حتی اتحادیه اروپا مورد استقبال قرار نگرفت، هشدار می‌تواند با یک نوع نگرانی در ارتباط با اقدامات دیگری بود که در پشت صحنه دیپلماسی ناکام با ایران، در تدارک اند و از ماهیتی دیگر برخوردارند و خبر از پایان فرصت دیپلماسی می‌دهند.

اما در مقابل؛ رژیم جمهوری اسلامی با این تصور که کشتی حکومت آمریکا در منجالب افغانستان و عراق به گل نشسته است، هنوز از ابعاد فاجعه‌ای که در انتظار مردم و حتی خود رژیم در کمین است، آگاه نیست. اگرچه با اوج‌گیری بحران، اخیراً ترس و وحشت در درون حکومت سر‌باز کرده است و تلاش‌هایی هر چند هنوز بطئی و آرام برای مذاکره و آرام کردن دول قدرتمند جهانی آغاز شده است، اما نیروی نگران از جنگ در درون حکومت هنوز آهنگ حرکتش به اندازه‌ای نیست که بتواند هم بحران سازان بنیادگرای درونی را کاملاً پس بزند و هم امیدی در دل دول قدرتمند جهانی برای توقف ماشین جنگی محافل جنگ افروز برانگیزد.

در حقیقت می‌توان گفت بحران هسته‌ای ایران به یک نقطه کور رسیده است. دولت جمهوری اسلامی، هنوز حاضر نیست غنی‌سازی را تعلیق کند و قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل را بپذیرد و دول غربی نیز در واکنش به توافق اخیر آژانس با دولت ایران، نشان دادند که حاضر نیستند بدون پذیرش این قطعنامه‌ها و تعلیق غنی‌سازی در ایران، از راه رفته بازگردند. برای آن‌ها و نیز بسیاری از کشورهای مهم منطقه از اسرائیل تا عربستان سعودی، جمهوری اسلامی برخوردار از توان تهیه سلاح اتمی غیر قابل‌پذیرش است.

از طرف دیگر، مساله دولت آمریکا و متحدان آن و از جمله دول عربی با ایران، فقط به سیاست جمهوری اسلامی در مورد پرونده اتمی محدود نمی‌شود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی در منطقه نیز، مزید بر علت است. اعلام رسمی مداخلات سپاه پاسداران در عراق از طرف مقامات دولت آمریکا و انتشار خبر اعلام سپاه قدس به عنوان یک سازمان تروریستی، خطر درگیری نظامی بین دو دولت را خارج از دایره تصمیمات شورای امنیت بر سر مساله اتمی نیز محتمل می‌سازد.

به نظر می‌رسد که با بن بست مذاکرات فقط لحن دیپلمات‌ها نیست که تندتر شده است و چرخ حوادث در حال چرخشی جدی به سوی یک

طی هفته‌های اخیر، بحث درباره امکان حمله نظامی ایالات متحده آمریکا به ایران دوباره از سر گرفته شده است. بخصوص، بعد از گزارشاتی که در باره دخالت دولت ایران در درگیری‌های قومی در عراق منتشر گردیده، گمانه‌زنی در مورد احتمال وقوع چنین حملاتی بیشتر شده است. از طرف دیگر، بن بست در مذاکرات هسته‌ای و بی‌پاسخ ماندن مصوبات شورای امنیت سازمان ملل در این مورد، هم چنین تأخیر طولانی در تصویب قطعنامه جدید، به دلائل مختلف از جمله اختلاف در بین کشورهای ۵+۱ در تشدید تحریم‌ها و اصولاً ادامه این روند، بر این گمان که ممکن است دولت آمریکا و متحدان غربی آن راه دیگری را در برابر جمهوری اسلامی در پیش گیرند، دامن زده است.

همزمان با بن بست در شورای امنیت، فرماندهان نظامی آمریکا در عراق و افغانستان گزارشاتی را منتشر نموده‌اند که حاکی از دخالت سپاه پاسداران جمهوری اسلامی، در امور داخلی این دو کشور و به عبارتی تسلیح نیروهای است که علیه آمریکا در این دو کشور می‌جنگند. ژنرال پتراوس فرمانده نیروهای آمریکا در عراق در گزارشی به سنای آمریکا گفت که “این امر بیش از پیش ... روشن است که ایران از طریق نیروی قدس می‌خواهد گروه‌هایی را در عراق مبدل به نیرویی مانند حزب الله کند، تا منافع ایران را تأمین کرده و از طریق آن با دولت عراق و نیروهای ائتلاف بجنگد.” همچنین یک فرمانده بلندپایه ارتش آمریکا در افغانستان نیز، جمهوری اسلامی ایران را به “تجهیز شبه نظامیان در افغانستان به بمب‌های قوی کنار جاده‌ای” متهم کرده است. دریدار ویلیام فالون، فرمانده ستاد مرکزی ارتش آمریکا گفته است که: “سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، این نوع بمب‌های پیچیده و مرگبار را که در عراق مورد استفاده قرار گرفته‌اند، در اختیار شبه نظامیان افغان قرار می‌دهد.” همزمان، رابرت گیتس وزیر دفاع آمریکا تأکید کرده است که: “ما همواره گفته‌ایم که همه گزینه‌ها روی میز است. اما روشن است که ره‌یافت دیپلماتیک و اقتصادی در دستور کار ما قرار دارد.”

به دنبال همین اظهارات نیز بود که خبر اعلام سپاه پاسداران به عنوان یک سازمان تروریستی به قطعنامه‌ای در مجلس نمایندگان و سنای آمریکا تبدیل شد و به تصویب هر دو مجلس رسید. این قطعنامه اگرچه برای دولت آمریکا الزام‌آور نیست، اما نشان دهنده فضای حاکم بر مراکز تصمیم‌گیری در ایالات متحده است. تأکید بر تقابل با سپاه پاسداران طی ماه‌های اخیر، بیشتر از آن که بیانگر اهمیت و یا ابعاد نقش سپاه پاسداران در عراق یا افغانستان باشد، نشان دهنده گرایش به نظامی کردن رابطه با ایران و باز کردن راه برای اقدامات نظامی علیه آن به بهانه دخالت سپاه در امور عراق و افغانستان و یا مشارکت در کشتن آمریکائیان در این دو کشور است.

اما صریح‌ترین اظهارات در مورد امکان درگیری نظامی با ایران را برنار کوشنر وزیر خارجه فرانسه اعلام کرد. او با صراحت گفت که:

## سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

این که توافقات آژانس از نظر دول غربی، آمریکا و اتحادیه اروپا، بدون پذیرش قطعنامه‌های شورای امنیت کافی نیست، یک روی سکه است، ولی روی دیگر سکه این واقعیت است که کمتر کسی دیگر به مذاکره با دولت فعلی و نمایندگان آن اعتماد دارد.

اول از همه باید به سازماندهی یک فشار همگانی علیه سیاست‌های رهبران جمهوری اسلامی اندیشید و مسئولیت همه کسانی را که مخالف این سیاست‌ها هستند، یادآور شد. در عین حال، باید با مراجعه به نهادهای بین‌المللی احزاب و جریان‌های مترقی، عواقب فاجعه‌بار هر گونه جنگ جدیدی برای منطقه و جهان را متذکر شد. در دنیای امروز، بیش از هر زمانی، زبان زور دیگر زبان سیاست‌ورزی نیست. در جهانی که ارزش‌های انسانی جهانشمول جزو اصول شناخته شده در حقوق بین‌المللی هستند، توسل به سلاح تنها فاجعه انسانی و زیست محیطی به بار خواهد آورد، بلکه موجبات نفرت همگانی علیه منادیان به جنگ و خونریزی را فراهم خواهد ساخت. وضعیت کنونی در عراق و بلشوی حاکم بر این کشور و سرنوشت غم‌انگیز مردم آن، بهترین شاهد این مدعاست. بشریت امروز از ابزارهای سازنده‌ای برای مقابله به غیرعقلانی‌ترین حکومت‌ها برخوردار است تا بدون توسل به جنگ و کشتار و آوارگی مردم به اهداف خود دست یابد.

آن چه به کشور ما ایران مربوط می‌شود، تنها قدرتی که قادر است دولت ایران را وادار به تغییر سیاست خود کند، اراده مردم خود ایران و توانمندی جنبش دموکراسی و حقوق مدنی آن است. هر گونه اقدام نظامی علیه ایران، به تقویت بحران آفرینان کنونی انجامیده و قبل از همه جنبش آزادیخواهان مردم ایران را تضعیف و ناتوان خواهد ساخت؛ چه از طریق تقویت باند‌های قدرت مسلح در حکومت و چه از طریق دامن زدن به احساسات مقابله با تهاجم بیگانه بر خاک وطن. بدترین سیاست ممکن در حال حاضر در رابطه با حکومت ایران چیزی جز آغاز جنگ با این حکومت نیست و برعکس، تلاش مجامع جهانی در منزوی کردن هر چه بیشتر حکومت اسلامی، محدود کردن معاملات تسلیحاتی، جلوگیری از تنظیم قرارداد های اقتصادی کمپانی های بین‌المللی با حکومت ایران و در تنگنا قراردادن حکومت برای پیشبرد برنامه های خود، از جمله اقداماتی است که می تواند حکومت را به عقب بنشانند.

نیروهای طرفدار صلح و دموکراسی و حقوق بشر در ایران باید چهره دیگری از کشور و آینده آن به جهانیان ارائه دهند، چهره مدافع منافع ملی مردم ایران و نقش سازنده آن در دفاع از صلح و امنیت در منطقه و جهان. □

فاجعه است. فاجعه‌ای که هنوز راه اجتناب از آن مسدود نیست، اما نیازمند گام‌هایی بلند و تعیین کننده در خروج از مخمصه بن بست سیاسی کنونی است. خطر حمله نظامی اگر چه خطر بلاواسطه نیست، اما هر روز که می‌گذرد، احتمال آن جدی‌تر می‌شود.

حمله نظامی به ایران، طبق اخباری که به بیرون درز نموده است، به صورت بمباران اهداف نظامی، اقتصادی و مراکز مربوط به تکنولوژی اتمی خواهد بود. این بمباران‌ها، اگرچه می‌توانند خسارات مالی و اقتصادی و نظامی سنگینی بر ایران وارد کنند، اما قادر به تغییر جدی در وضعیت کنونی مناسبات جمهوری اسلامی با غرب نیست. بلکه بر عکس، به تشدید وضعیت کنونی منجر می‌شود و رژیم زخمی از این حملات، در اولین گام به تشدید سرکوب در ایران و بستن هر چه بیشتر فضای تنفس مردم ایران دست خواهد زد. در عین حال، تلاش خواهد کرد تا با تشدید عملیات تروریستی در خارج از کشور، به تلافی جویی نیز دست بزند. حاصل این وضعیت وخیم تر شدن وضعیت مردم ایران و ناامنی بیشتر در منطقه و به خطر افتادن انسان‌های بیگناه است. از این رو اهمیت دارد تا به هر ترتیب ممکن با حمله نظامی آمریکا و هرگونه بمباران اهداف نظامی و اقتصادی در ایران مخالفت شود.

باید توجه داشت که درگیری آمریکا با ایران امروز فقط به مساله بحران «اتمی» محدود نمی‌شود. حکومت فعلی آمریکا درحال حاضر به شدت در باتلاق عراق گرفتار شده است و در تلاش است تا مفری برای خروج از این مخمصه پیدا کند. هر راه حلی نیز باید دو نکته اساسی را در برداشته باشد: اولاً بتواند سیمای امریکای قدرتمند را خدشه‌دار نکند و به دیگر سخن، نباید واقعه ویتنام را تداوم کند، دوم اینکه باید از قدرت‌گیری جمهوری اسلامی پس از خروج آمریکا از عراق جلوگیری کند. از این رو، رابطه شیعیان عراق با حکومت ایران، امروز یکی از مشکلات اصلی آمریکا در عراق است و تا زمانی که ایران توان کمک و پشتیبانی از شیعیان عراق را داشته باشد، این مشکل به قوت خود باقی خواهد ماند. جناح‌های جنگ طلب آمریکا در تهاجم نظامی به ایران و نابود کردن توان نظامی و اقتصادی آن، به دنبال راه حلی برای این مشکل نیز هستند. سوال اینجا است که آیا آنها به عواقبی که این بمباران‌ها می‌تواند درست در همین عراق برای آنها به بار آورد واقفند و اهمیت لازم را به آن میدهند یا نه؟ یقیناً حملات هوایی و بمباران، ضرباتی به توان نظامی ایران خواهد زد، اما از سوی دیگر، به تقویت رابطه حکومت ایران با دستجات شیعیان عراق نیز خواهد انجامید و جمهوری اسلامی قادر خواهد بود در مقام مقابله با آمریکا، علنی‌تر به تقویت این دستجات و تشدید حملات آن‌ها به نیروهای آمریکا در عراق خواهد پرداخت.

ما تاکنون هر دو طرف را به ادامه گفتگوهای متقابل، پذیرش قطعنامه‌های سازمان ملل و حل مناقشه اتمی از طریق آژانس بین‌المللی تاکید کرده‌ایم. اما اکنون بحران فراتر رفته و بخصوص در دو سال و نیم گذشته همواره سیاست خارجی جمهوری اسلامی تنش‌زاتر شده است. از جمله از طریق اظهارات و اقدامات شخص احمدی نژاد در مورد اسرائیل و هولوکاست، اعتماد عمومی به سیاستمداران ایران را به پائین‌ترین حد خود رسانده و روابط دیپلماتیک با دولت ایران را در سطح بین‌المللی به طور فاحشی تنزل داده است. این امر بازتاب خود را در برخورد به توافق اخیر آژانس با ایران بیش از پیش نشان داد. از یک سو، دولت ایران با آژانس در برخی زمینه‌های مورد مناقشه در برنامه اتمی‌اش به توافق رسیده است، از سوی دیگر بدون توجه به این توافق، بحث بر سر قطعنامه سوم برای تشدید تحریم‌ها جریان دارد.



احمدی نژاد: آمریکا به ایران حمله نمی‌کند زیرا «من مهندس و مسائل را تحلیل و استدلال می‌کنم»